



پوستر فیلم تسخیر شدگان



Al Capone

هشتادویک سال بعد از محاکمه آل کاپون

زندانی بدنام آلکاتراز

• بهمن آزاد

محاکمه آل کاپون در اولین روزهای ژوئن ۱۹۳۱ در دادگاه ایالتی شیکاگو برگزار شد. در ایالات متحده آل کاپون جزو بدنام‌ترین شهروندان بود و بسیاری او را «دشمن شماره یک مردم» می‌نامیدند و خواستار محاکمه او برای جنایت‌هایش بودند.

روز دوازدهم ژوئن او به همراه چندین وکیل مدافع کارکشته در دادگاه حاضر شد تا از خود در برابر اتهامات مالیاتی دفاع کند. بیش از پنجاه خبرنگار برگزاری دادگاه را گزارش می‌کردند.

آل کاپون، چاق و چله بود و چهره‌ای داشت که زود از یاد نمی‌رفت. رنگش پریده بود و وقتی به هیجان می‌آمد جای زخم چاقو روی صورتش مانند آتش سرخ می‌شد. به خاطر همین زخم به او لقب صورت زخمی هم داده بودند.

کیفرخواست دادستان علیه آل کاپون و شصت‌وهشت هم‌دستش شامل زیر پا گذاشتن قانون مالیات بر درآمد به میزان دویست‌وپانزده هزار دلار از سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ بود. این رقم در آن زمان بسیار قابل توجه و درشت بود. به ویژه آنکه نشانه‌های رکود اقتصادی بزرگ که در ۱۹۳۰ به اوج رسید هم در آن فاصله آشکار شده بود.

آل کاپون یکی از معروف‌ترین و بدنام‌ترین تبهکاران آمریکا است. اساساً آمریکا در پرورش تبهکارانی از این دست استعداد ویژه‌ای دارد؛ از جنایتکاران رسمی مانند ژنرال کاستر که بسیاری از سرخ‌پوستان بومی سرزمین آمریکا را به فجیع‌ترین شکلی قتل عام کرد و هری ترومن که دستور استفاده از بمب اتمی علیه شهروندان ژاپن را صادر کرد و ده‌ها هزار نفر را در عرض چند دقیقه کشت و میلیون‌ها ژاپنی دیگر را گرفتار پیامدهای بسیار بد آن نمود، تا تبهکاری همچون جفری دامر که در سی‌وچهار سال عمرش بیش از هفده نفر را کشت و گوشت آنها را خورد! آل کاپون، چهارمین رئیس مافیا بود که در نهایت نه به خاطر جنایت‌هایش بلکه به دلیل فرار مالیاتی دستگیر و محاکمه و زندانی شد. کاپون به رغم شهرت بدش، یکی از سوزده‌های بسیار جذاب برای هالیوود بوده است و برای ایفای نقش او از بهترین هنرپیشه‌هایش استفاده می‌کند. چنان که در فیلم معروف «تسخیرناپذیران» رابرت دونیرو در نقش کاپون بازی کرد.

هالیوود از جنایتکاران اسطوره می‌سازد



• آل کاپون



• زندان آلکاتراز



• سلول آل کاپون در آلکاتراز

کاپون که بود؟

آلفونسو گابریل کاپون، معروف به آل کاپون، در هفدهم ژانویه ۱۸۹۹ در ناپل متولد شد و وقتی خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد هنوز بچه کوچکی بود. پدرش آرایشگر بود اما در نیویورک در پیشه خود کاری پیدا نکرد و با چهار فرزند کوچک و همسرش در بروکلین شهر نیویورک که محل اقامت ایتالیایی‌ها بود مسکن گرفت و به کارگری پرداخت. آل فقط چهار سال به مدرسه رفت و بعد در خیابان‌های اطراف، سالن‌های بلیارد و خانه‌هایی که ایتالیایی‌ها در آن قماربازی می‌کردند رفت و آمد پیدا کرد. در سنین نوجوانی بسیار قوی‌بنیه بود و البته بسیار بی‌رحم. او با کمک نوجوانانی که مانند خودش ولگرد بودند گروهی تشکیل داد و محله را وه وحشت انداخت. آدم‌های او از همه، از سبزی‌فروشان و ماهی‌فروشان و میوه‌فروشان گرفته تا دیگران، هفتگی باج می‌گرفتند تا شیشه پنجره‌های آنها را نشکنند و ویتترین‌هایشان را خراب نکنند. در این زمان، یک گانگستر ایتالیایی به نام جانی توریو، عضو یک خانواده مافیایی و مؤسس یک باند شخصی، که متخصص قمار و زورگیری بود، از آل کاپون جوان خوشش آمد و وی را در کارهایش وارد کرد. توریو به دلیل درگیری‌های مافیایی مجبور شد از نیویورک به شیکاگو برود و آل کاپون نوجوان را هم با خود برد. در شیکاگو توریو حوزه عمل کاپون را گسترده کرد و امور باج‌گیری و قاچاق یک منطقه بزرگ را به او سپرد. آل کاپون هم به سرعت بر امور منطقه مسلط شد و حتی پلیس آن جا را هم زیر نفوذ خود در آورد و بعد از مدتی تلاش کرد تا شهرداری انتخاب شود که آدم خودش بود. کمی بعد توریو در یک درگیری با گانگسترهای رقیب برای حفظ جان به ایتالیا پناه برد و آل کاپون کل شیکاگو را در دست گرفت. آل کاپون چون متولد ناپل بود نمی‌توانست رئیس مافیا شود. طبق قانون مافیا، رئیس آن باید متولد سیسیل می‌بود. اما او موفق شد یکی از نفرات وفادار به خودش را رئیس این سازمان تبهکاری کند و بدین ترتیب این سازمان کم و بیش آلت دست آل کاپون شد.

گانگستری که پلیس هم با او همکاری می‌کرد

در این دوره آل کاپون جنایت‌های بی‌شماری را مرتکب شد و پلیس شیکاگو که زیر نفوذ او بود هرگز نتوانست با او برخورد کند یا مزاحمتی برایش ایجاد نماید. برای مثال، در کشتار روز ولنتاین در چهاردهم فوریه ۱۹۲۰ آل کاپون مطلع شد که چند نفر از همکاران مهم «بوگزی» (یکی از رقبای گانگسترش در شیکاگو) در یک گاراژ خالی ملاقات خواهند کرد. او چند نفر از بهترین افرادش را با لباس پلیس به آن جا فرستاد و آنها در کمال خونسردی تمام حاضرین را به گلوله بستند. رفتار افسارگسیخته کاپون در شیکاگو دولت فدرال را نگران کرد و به ویژه ادگار هورر، رئیس اف.بی.آی. از اینکه می‌دید افراد پلیس هم به نفع کاپون فعالیت می‌کنند آشفته شده بود. او به یکی از نیروهای کار کشته و بانگیزه‌اش به نام الیوت نس مأموریت داد تا اوضاع شیکاگو را سر و سامان بدهد. نس به شیکاگو رفت و با کمک چند نفر از همکاران مالیاتی و برخی افسران به تنگ آمده از جنایت‌های کاپون، فعالیت‌های او را زیر نظر گرفت. گاهی هم به محموله‌های کاپون حمله می‌کرد تا او را عصبانی و وادار به انجام عملی نماید که بهانه‌ای برای بازداشتش فراهم باشد.

این روند ادامه داشت تا آنجا که دیگر برای کاپون قابل تحمل نبود که ببیند درآمدش روز به روز کمتر می‌شود. او دستور کشتن نس و همکارانش را صادر کرد و افراد او موفق شدند برخی از همراهان نس را بکشند اما خود او را نتوانستند. نس با کمک برخی مطبوعات به حملاتش به کاپون ادامه داد و افکار عمومی را علیه او بسیج کرد. کاپون تلاش کرد برای مدتی دور از شیکاگو باشد تا آب‌ها از آسیاب بیفتد. ضمن آنکه درگیری‌های میان اعضای باند‌های تبهکاری هم در شیکاگو شروع شده بود و طرف‌های درگیر به روی هم اسلحه کشیده بودند و یکدیگر را بی‌رحمانه می‌کشتند. بهترین جا برای در امان ماندن از این حملات زندان بود و کاپون ترتیبی داد تا به جرم حمل اسلحه بدون مجوز توسط پلیس بازداشت و زندانی شود. در زندان او یک سوییت کامل در اختیار داشت و امنیت هم کاملاً برقرار بود. گاهی با نگهبانان یا پزشک زندان گپ می‌زد. پزشک زندان می‌گفت در عمرش گانگستری به این اندازه دوست‌داشتنی و شوخ ندیده است!

مدارک مالیاتی، پاشنه آشیل کاپون

در بیرون از زندان نس همچنان علیه باند کاپون فعالیت می‌کرد. تلاش نس و همراهانش برای بازداشت کاپون به جرم قتل و قاچاق و باج‌گیری بی‌نتیجه ماند زیرا کاپون بسیار زیرک بود و ردی از خود به جا نمی‌گذاشت. عاقبت او به کمک یک ممیز مالیاتی این اتهام را علیه کاپون مطرح کرد که مالیات نداده است. برای این منظور هم از مدارک مالی کاپون که طی درگیری‌های قبلی به دست آورده بود استفاده کرد. طی یورش‌های پلیس، گروه نس به دفترهای معاملاتی و یادداشت‌های زیرکانه تنظیم‌شده کارمندان آل کاپون دست یافت و دو نفر دستگیر و خیلی سخت بازجویی شدند. زمانی که به آنها اطمینان داده شد که در صورت همکاری با پلیس، آزاد شده و از کشور نیز خارج خواهند شد، علیه کاپون اعتراف کرده و اطلاعات دقیقی از امور مالی او به نس و گروهش دادند.

بر اساس همین اتهام کاپون بازداشت و محاکمه شد. دادگاه او حدود یک هفته زمان برد و بسیاری از کسانی که کاپون از آنها باج گرفته یا به آنها رشوه داده بود علیه او در دادگاه شهادت دادند. گروه وکلای کاپون نتوانستند علیه این شهود در دادگاه مدرکی ارائه کنند و در نتیجه کاپون محاکمه را باخت.

روز هفدهم اکتبر ۱۹۳۱ در ساعات اولیه بعدازظهر هیئت منصفه به شور نشست و پس از هفت ساعت به سالن دادگاه بازگشت و کاپون را گناهکار اعلام کرد و صدور حکم یک هفته بعد و در ۲۴ اکتبر اتفاق افتاد که طی آن کاپون به جرم فرار مالیاتی به ده سال زندان و ده هزار دلار جریمه علاوه بر پرداخت دویست‌هزار دلار مالیات محکوم شد. او به زندان معروف آلکاتراز منتقل شد. باند آل کاپون خیلی زود در نبود او از هم پاشید.

در زندان آلکاتراز

وضع آل کاپون در آلکاتراز خوب نبود. او با بسیاری از زندانیان دیگر مشکل داشت. برخی از زندانیان که برای باند‌های رقیب کار می‌کردند آل کاپون را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و او را به قصد کشت می‌زدند.

آل کاپون مریض شده بود و پزشکان تشخیص دادند که بیماری او سیفلیس نوع سوم است. دوستانش موفق شدند مسئولین را قانع کنند که به او مرخصی بدهند. اما خروج او از زندان اصلاً نفعی برای او نداشت. او تبدیل به آدمی آواره شده بود که کسی او را نمی‌پذیرفت و رقبای گانگسترش هم در پی کشتن او بودند.

او به فلوریدا رفت و یک ویلا و زمین بزرگ خرید. مردم آن جا علیه حضور این شرور در حال مرگ اعتراض کردند اما او بالاخره موفق شد در فلوریدا یک آپارتمان بخرد. اما فشار برای اخراج او از آن منطقه زیاد او و کاپون مجبور شد برای کسب وجهه هم که شده مقداری از پول‌هایش را صرف امور خیریه کند.

مرگ کاپون بسیار زجرآور و طولانی بود. او به حدی ضعیف شد که توان راه رفتن نداشت و این روند برای چند ماه او را آزار داد. به ویژه اینکه هیچ کس هم رغبتی به کمک کردن به او در خود احساس نمی‌کرد. او عاقبت در چهل و هشت‌سالگی مرد و جنازه‌اش به شیکاگو منتقل و بی سر و صدا دفن شد.